

خلیج فارس، نمادی از هویت ایرانیان



1- یکی از مؤلفه‌های اثرگذار در وحدت عمومی و انسجام داخلی و همین‌طور پیوستگی‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی توجه به هویت به عنوان یک مفهوم کلی است. رویارویی با هویت به صورت یک چهارچوب موضوعی در حقیقت، زمینه‌ساز شناخت دیگر ابعاد مرتبط با مقوله هویت‌شناسی است. در این رهگذر، هویت ملی نسبت به دیگر ابعاد هویتی، نقش محوری و اساسی‌تری را ایفا می‌کند و به این گونه، سرمایه‌گذاری در شناسایی، تقویت و گسترش نمادهای هویت ملی در دستور کار دولت - ملت‌ها و نظام‌های سیاسی قرار می‌گیرد. پویایی مفهوم هویت ملی، چنان حساس است که تقریباً همگی واحدهای سیاسی نظام جهانی، خود را همواره در معرض بحران هویت و نابودی فرهنگ داخلی می‌بینند و به همین جهت، بیشترین توجه را نسبت به درونی‌سازی هویت ملی در میان شهروندان دارند.

2- نکته‌ای که در این میان، می‌توان به آن اشاره کرد، این است که نمادهای هویت ملی، نخست این که فارغ از یک ایدئولوژی خاص باید تعریف شوند و دوم آن که شاخصی باشند که همگان آن را به رسمیت بشناسند و این نماد هویتی تحت‌الشعاع هیچ مفهوم سیاسی و اقتصادی قرار نگیرد. بی‌شک، کشور ما با درجه بالایی از تنوع فرهنگی، نیازمند این شاخص‌هاست. ایرانی بودن به عنوان محور اصلی یک هویت خاص، منطبق بر یک محدوده جغرافیایی خاص است. مفهوم ایرانی بودن با تکیه بر یک آیین دینی (اسلام)، آرمانی مشترک (دشمن ستیزی) و ارزش‌های فرهنگی متعدد منطبق بر جغرافیایی چند قومیتی و چند زبانی است. ایران با در اختیار داشتن این ظرفیت بالای فرهنگی، قرن‌هاست که شاکله فرهنگی خود را در برابر توطئه‌ها حفظ کرده است.

3- در حوزه شناخت هویت‌های منطبق بر جغرافیا، باید از خلیج فارس به عنوان مهمترین نماد هویتی ایرانیان نام ببریم. خلیج فارس نه به عنوان کانون مناطق آزاد تبادلات بازرگانی و اقتصادی و یا گلوگاه تجاری منطقه و یا سواحل زیبای توریستی آن، بلکه به عنوان یک محدوده هویتی که بر مالکیت ایران و فرهنگ ایرانی تکیه دارد، مد نظر ماست. به گونه‌ای که این محدوده، نقش تعیین‌کننده‌ای در برقراری رابطه‌ای دیالکتیک میان هویت ملی - ایرانی و جغرافیا دارد. رجوع به تاریخ و بازیافتن نمادهای تاریخی، بنیادی‌ترین جنبه معرفتی هویت ملی است. بسیاری از سنت‌ها و اسطوره‌های ایرانی و اندیشه‌های آرکانیستیک (باستان‌گرایانه)، فلسفه وجودی یک محدوده جغرافیایی مرز بندی شده (ایران) در کنار خلیج فارس را اثبات می‌کند. در حوزه‌های فیزیکی نیز همه اسناد حقوقی و بین‌المللی و شواهد تاریخی نیز این را به خوبی تبیین می‌کند. ایرانیان به عنوان افرادی که خود را متعلق به یک خاک و فرهنگ مشترک می‌دانند؛ فارغ از نوع دیدگاه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی همواره بر ایرانی بودن خلیج فارس صحنه می‌گذارند. این مسأله چنان اهمیتی دارد که حتی ایرانیان امروزه با آموزش‌های غیررسمی، خانواده، مدرسه و دیگر نهادهای اجتماعی به صورت فعالانه درصدد انتقال نسلی این ارزش هویتی و فرهنگی هستند. این حرکت جمعی، اگر به صورت یک کنش فرهنگی منسجم و هماهنگ باشد، اثرات مثبتی در تقویت هویت ایرانی در دراز مدت خواهد داشت.

4- به نظر می‌رسد دست یافتن به یک ارزش مشترک در زمانه‌ای که هجوم ارزش‌های جهانی شدن در حوزه‌های گوناگون، هیچ دولت - ملتی را در امان نمی‌گذارد، کار بسیار دشوار و شاید ناشدنی باشد. در منطقه خاورمیانه که جنگ به یک امر روزمره مبدل شده است و حضور نیروهای خارجی، هر روزه بر ناامنی این محدوده می‌افزایند، مسأله هویت ملی اهمیت دوچندانی پیدا می‌کند. در این وضعیت، تنها اهرم بازدارنده در برابر فشارهای سیاسی، به جریان انداختن مفهوم هویت ملی و شاخص‌های آن است. از همین روست که کشورهای عربی تأکید فراوانی نسبت به مالکیت عربی خلیج فارس دارند و البته این را به خوبی می‌دانند که این ادعای آنها، هیچ منطق و پایه حقوقی ندارد، اما از آنجا که خلیج فارس قابلیت بالایی در هویت‌سازی و انسجام داخلی این کشورها دارد، بر عربی بودن آن پافشاری می‌کنند. از این روی، امروزه مالکیت خلیج فارس بیشتر دارای یک کارکرد فرهنگی و البته شبیه به یک امتیاز هویتی و ناسیونالیستی است تا در اختیار داشتن یک محدوده جغرافیایی به همراه برخی کارکردهای اقتصادی و سیاسی برای کشورهایی که در همسایگی آن هستند؛ بنابراین، این سرفقت تاریخی و هویتی از جانب کشورهای عرب حوزه خلیج فارس، تنها تابعی از یک مسأله هویتی و فرهنگی است.

5- به خوبی می‌دانیم که حضور ایالات متحده و برخی از کشورهای غربی در منطقه، دارای اهداف سیاسی متعددی است که یکی از برجسته‌ترین آنها تلاش برای تجزیه سیاسی کشورهایی چون ایران است، چرا که می‌دانند امروزه عصر فروپاشی‌های

سیاسی به پایان رسیده و باید در پی فرمول‌های نوین سیاسی باشند. اینها در شرایطی که وجود یک بحران را حس می‌کنند، بلافاصله در صدد برمی‌آیند تا حاکمیت سیاسی ایران را به یکسان‌سازی قومیتی محکوم کنند و از این طریق، راهی برای تفرقه بیابند.

بحران‌هایی از این دست در سیاست، به طور کل جز با وجود هماهنگی و پیوستگی و انسجام ملی قابلیت راهگشایی ندارد و امروز خلیج فارس برای ما این نقش هویتی را دارد. در واقع، در حالی که توطئه‌های سیاسی و فرهنگی نسبت به ایران، هر روزه خود را در قالب‌های گوناگون نشان می‌دهد، تأکید و حتی مناقشه بر ایرانی بودن خلیج فارس و تبدیل آن به عنوان یک ارزش ملی، می‌تواند قوام فرهنگی - هویتی و سیاسی ایرانیان را تقویت کند.

6- سال‌های اخیر، شاهد جدال‌های بیشتری نسبت به این بخش از کشورمان بودیم؛ مشارکت‌های فعالانه گروه‌های غیر دولتی و حضور در فضای مجازی برای دفاع از هویت ایرانی، جهانیان را به خود خیره ساخت. اساساً هرچه این فشارها از جانب گروه‌های غیر دولتی و بدنه اجتماعی ایرانیان تقویت شود، اثربخشی آن ملموس‌تر خواهد بود. نامگذاری یک روز خاص با عنوان «روز ملی خلیج فارس»، می‌تواند در تقویت هویت ایرانی نقش مؤثری داشته باشد، چراکه ممکن است سکوت و انفعال در اوضاع کنونی، زمینه‌ساز ضعف در آینده شود. هرچند در این میان و در بنبوحه دفاع از این میراث ایرانی، برخی با کمال بی‌انصافی، همواره بر بخشی از ویژگی‌های شخصیتی ایرانیان همچون قانون‌گریزی، بی‌انضباطی اجتماعی و ضعف فرهنگی دامن می‌زنند، اما نباید به این ژست‌های مشکوک روشن‌فکرانه اهمیت زیادی داد، چرا که اینان همواره نسبتی با علایق و سنت‌های ایرانی نداشته‌اند و در برابر مسائل تاریخی و هویتی این مرز و بوم سکوت کرده‌اند و توانایی دادن هیچ راهکار فرهنگی و اجتماعی را نداشته‌اند. در حالی که تأکید بر هویت ملی و ارزش‌های مشترک به همراه ایمانی مذهبی، کانونی از انسجام اجتماعی و وحدت ملی را ایجاد نموده است. حفظ و تأکید بر این شاخص‌های فرهنگی، اساسی‌ترین فرمولی است که بدخواهان ملت را دلسرد و توطئه‌های آنها را ناکام می‌گذارد.

صالح زمانی